

ترفند زن جوان برای سرقت از مردان پولدار



اگر چه متهم این پرونده فقط به ۳ فقره سرقت با شیوه شگرد یاد شده اعتراف کرده است اما تاکنون ۶ نفر از مال باختگان وی را شناسایی کرده اند. در همین حال یک مقام انتظامی از افرادی که طعمه عشوهای شیطانی این زن جوان شده اند، خواست برای اعلام شکایت به پایگاه شرف پلیس آگاهی مشهد مراجعه کنند و بقیین بدانند که هويت و اسرار آن ها به طور کامل در پرونده محرمه باقی می ماند و هیچ کس از اسامی و علت مراجعه آنان به پلیس مطلع نخواهد شد.

مناسب، کارت بانکی او را مسی و بود و از طعمه خود جدا می شد. راننده پولدار نیز زمانی به سرقت کارت عابریانک خود پی می برد که پیامک برداشت های ده ها میلیون روی گوشی تلفن اش نقش می بست! اگر چه برخی از رانندگان به خاطر حفظ آبرو یا ترس از رسوایی احتمالا شکایتی راطرح نکرده اند اما بررسی های پلیس در پرونده آخرین طعمه وی، که یک مرد جوان است، بیانگر آن بود که زن مذکور چندین سکه طلا بهار آزادی را نیز از کیف دستی وی به همراه کارت عابریانک به سرقت برده است.

گشود و راز سرقت های ده ها میلیون را فاش کرد. از سوی دیگر بررسی های تخصصی و کنکاش های پلیس در ماجرای این سرقت ها نشان داد زن دستگیر شده، با آرایش های غلیظ در پوشش مسافر کنار خیابان ها منتظر طعمه های پولدار می ایستاد و هنگامی که راننده های از سر دلسوزی یا برخی پولداران هوسران او را برای رساندن به مقصد سوار می کردند به عشوهای شیطانی متوسل می شد تا نقشه زیر کانه خود را اجرا کند.

متهم پرونده سرقت های عابریانک، پس از جلب اعتماد طعمه خود، چنین وانمود می کرد که تشنه یا گرسنه است! سپس از راننده ای که فریب عشوهای شیطانی را نخورد بود، تقاضای کرد تا برای او آبمیوه، پیتزا یا ساندویچ بخرد. او در ادامه نقشه اش بلافاصله پشت سر راننده از خودرو پیاده می شد و در فروشگاه کنار وی می ایستاد هنگامی که راننده رمز کارت بانکی را با صدای بلند به فروشنده می داد تا بهای خرید آبمیوه یا اغذیه را بپردازد، او بی درنگ شماره رمز را حفظ و بعد پرداخت می کرد.

این خلافکار حرفه ای که حالانیمی از نقشه اش را اجرا کرده بود با استفاده از طنزهای شیطانی و فریبند، راننده خودرو را به خلوت نگاه می کشاند و در یک فرصت

دیگر به یک طلا فروشی در بولوار شهید مفتاح (سی متری طلای مشهد) رسیدند که شقایق (متهم تحت تعقیب) از آن طلا فروشی خرید کرده بود.

همزمان با زینتی در بین های مدار بسته در مراکز خرید نیز تر دیدی برای کار آگاهان باقی نگذاشت که او از تبهکاران حرفه ای و سابقه دار است که قبلا نیز در دام قانون گرفتار شده بود.

بنابراین کار آگاهان با هماهنگی و دستورهای محرمانه قاضی اسماعیل عندلیب (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) به سراغ طلا فروشی رفتند که مشخص شد زن مذکور ۳ هزار و ۹۰۰ دلار هم برای تبدیل به ریال در اختیار طلا فروشی گذاشته است.

با همکاری طلا فروشی بلافاصله کار آگاهان با این زن ۳۷ ساله قرار صوری گذاشتند تا باقی مانده پول هایش را تحویل بگیرد. ساعتی بعد وقتی شقایق وارد طلا فروشی شد ناگهان دستبند های قانون به دستانش حلقه خورد و به مقر انتظامی انتقال یافت.

این زن جوان که ابتدا سعی داشت خود را بی خیز را ماجرای سرقت از عابریانک ها نشان دهد، هنگامی که در برابر اسناد و مدارک مستند قرار گرفت و تصاویر خود را در دوربین های مدار بسته دید به ناچار لب به اعتراف

طولی نکشید که چند پرونده روی میز کار آگاهان پایگاه شرف پلیس آگاهی مشهد قرار گرفت و گروهی کار آزموده از کار آگاهان با هدایت سرگرد حسن رحیم پور (رئیس پایگاه شرف آگاهی مشهد) به تجزیه و تحلیل این ماجرا پرداختند.

بررسی های کارشناسی آن هانشان داد: همه مال باختگان دارای خودروهای سواری گران قیمت هستند اما برخی از آن ها از یک زن مسافر سخخن گفته اند که به دلیل دلسوزی از حاشیه خیابان سوار کرده اند تا او را به مقصد برسانند.

از سوی دیگر ردیابی خریدهای بانکی نام زنی را روی گزارش های پلیس حک کرد که با کارت های سرقتی از طلا فروشی ها و دلان دلار در خیابان امام خمینی (ره) خرید کرده است. آرام آرام ماجرای رمز آلود کارت های بانکی روی این زن متمرکز شد و کار آگاهان با استفاده از بانک اطلاعاتی مجرمان دریافته که او زنی سابقه دار و اهل یکی از استان های غربی کشور است اما او سال گذشته از زندان آزاد شده و نشانی ثابتی در اسناد و مدارک پلیس نداشت.

این گونه بود که کار آگاهان فرضیه اسامی مستعار را نیز در دستور کار قرار دادند و سپس در پیگیری سرخ های

گروه حوادث - زن جوانی که در پوشش مسافر، سوار خودروهای گران قیمت مردان هوسران پولدار می شد و سپس با طرح نقشه شیطانی، کارت بانکی طعمه خود را می ربود، در حالی دستگیر شد که از آخرین طعمه، تعدادی سکه هم سرقت کرده بود.

به دنبال چندین گزارش سرقت کارت های بانکی و دستبرده ده ها میلیون به حساب شایگان، پرونده های جداگانه ای در مراکز انتظامی مشهد تشکیل شد و مورد بررسی های پلیسی قرار گرفت اما با افزایش پرونده های مذکور، این ماجرا شکل مرموزی به خود گرفت چرا که همه مال باختگان از تمکن مالی برخوردار بودند و بسیاری از آنان برای حفظ آبرو، بخش هایی از قصه سرقت کارت بانکی را مسووم می کردند و فقط مدعی بودند که فردی کارت عابریانک آن ها را ربوده و ده ها میلیون تومان از حساب بانکی برداشت کرده است.

با توجه به اهمیت سرقت های رمز آلود مذکور، سرهنگ احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) با صدور دستورهای ویژه ای برای واکاوی این ماجرا از کار آگاهان پلیس آگاهی مشهد خواست تا با استفاده از فناوری های نوین پلیسی به ردیابی عامل یا عاملان دستبرده حساب های بانکی بپردازند.

جشن اینستاگرامی برای دختر تنها گران تمام شد!

هم در محلی خلوت راهیم کردند. اول به خاطر ترس از تهدیدهای پاشان شکایت نکردم اما به خاطر اتفاق تلخی که برام رخ داده و مرد اچاچار افسردگی کرده، تصمیم گرفتم که شکایت کنم.

با شکایت دختر جوان به دستور بازپرس داسرای ویژه سرقت تحقیقات آغاز شد. اگر چه دختر جوان از محلی که دو پسر جوان، او را به آنجا برده بودند اطلاع دقیقی نداشت، اما با کمک آگاهی میهمانی و آدرس محل برگزاری پارتنی شبانه، تحقیقات روی این شاخه متمرکز شد.

زمانی که کار آگاهان راهی برج شدند، با کمک صاحب واحدی که میهمانی در آن برگزار شده بود، هويت دو پسر مورد نظر را به دست آورده و پس از هماهنگی های قضایی آنها را بازداشت کردند.

منتهان در تحقیقات اولیه به جرم خود اعتراف کردند، یکی از آنها گفت: مدتی است که با اجاره یک ساختمان در برج پارتنی می گیریم و از شرکت کننده ها پول دریافت می کنیم. تبلیغ پارتنی را در اینستاگرام آخرین باری که میهمانی شبانه گرفتیم، این دختر هم آنجا حضور داشت. زمانی که از ماجرای ورودی مطلع شد، مخالفت کرد و همین موضوع نظر ما را به خودش جلب کرد. بعد هم که از افسردگی و شکست عشقی اش برایمان حرف زد، دو سوسه شدیم. با خوردن آبمیوه مسموم او را بی هوش کرده و بعد از پایان میهمانی به بهانه اینکه حالش خوب نیست، او را از برج بیرون بردیم و به خانه مان در جنوب تهران منتقل کردیم و پس از تهیه فیلم و عکس و با تهدید اینکه تصاویر و فیلم ها را منتشر می کنیم، او را رها کردیم.

به دستور بازپرس داسرای ویژه سرقت، پرونده از جنبه تعرض به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد و از جنبه آدم ربایی و سرقت در داسرای ویژه سرقت مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

گروه حوادث - دختر جوان وقتی به یک میهمانی شبانه برچی در شمال تهران قدم گذاشت، نمی دانست چه سرنوشت شومی در انتظارش است.

اواخر دی امسال، دختری هراسان به اداره پلیس رفت و گفت: مدتی با پسر جوانی دوست بودم اما با هم اختلاف پیدا کردیم و او مرا ترک کرد. این ماجرا ضربه سنگینی به من زد و اعصابم خیلی خرد شدند. یک روز که در اینستاگرام در حال دیدن صفحات مختلف بودم، با یک آگاهی مواجه شدم. آگاهی در رابطه با برگزاری میهمانی شبانه در یک برج بود و هر دختر و پسری می توانست بدون ممنوعیت در آن شرکت کند. من هم برای اینکه حال و هوایم عوض شود، به میهمانی شبانه که برچی در شمال تهران بود، رفتم. به غیر از من دختر و پسران زیادی در میهمانی شرکت داشتند. در انتهای پارتنی دو پسر جوان که برگزار کننده مراسم بودند، به سراغ میهمان ها آمدند تا از آنها مبلغی به عنوان ورودی بگیرند و تازه آن موقع بود که متوجه شدم این بزم شبانه پرداخت پول خودداری کردم.

دختر جوان گفت: در این میان با دو پسر جوان بچتم شدد اما زمانی که آنها فهمیدند من یک دختر تنها هستم و برای عوض شدن حال و هوایم به آنجا رفتم، از گرفتن ورودی منصرف شدند. در پایان بزم شبانه آنها به من نوشیدنی تعارف کردند که با خوردن آن، بی هوش شدم. به هوش که امدم، خودم را در خانه های قدیمی در جنوب تهران دیدم. همان پسرهای جوان مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند. به غیر از سرقت طلاهایم، گوشی تلفن همراهم را نیز به سرقت بردند. بعد هم گفتند که از من فیلم و عکس گرفته اند و اگر از این ماجرا حرفی بزنم، فیلم ها را در فضای مجازی منتشر خواهند کرد و چند نسخه از آن را برای خانواده ام و صاحب کارم ارسال می کنند. چند ساعت بعد

زن صیغه ای زنگ خانه زن عقدی را زد ...

لحظه بر ملا شدن واقعیت شوک آور و سخت بود!

شدم چرا که رشید یا در محل کارش بود یا در ماموریت به سر می برد. در همین روزها بود که یک زن ناشناس زنگ من را زد. زمان را به صد اورد و وقتی در واحد آپارتمانی را باز کردم در حالی که مرا به نام خطاب می کرد اجازه خواست تا درون منزل من بیاید.

حیران و متعجب پرسیدم شما؟ گفت: یک دوست قدیمی! بالاخره آن زن وارد خانه ام شد و شروع به حرف زدن کرد و حرف می زد ولی من چیزی نمی شنیدم فقط به خاطر دارم زمانی که چشم های اشک آلودم را گشودم آن زن رفته بود و مادرم در کنار من اشک می ریخت. آن جا بود که فهمیدم رشید قبل از ازدواج با من زن مطلقه ای را به عقد موقت خودش در آورده بود و حالا که آن زن فرزندی به دنیا آورده به خاطر گرفتن شناسنامه برای نوزاد باید یکبارگی به اختلاف خورده اند!

آن زن می گفت: در دوران مجردی بارشید دوست بودم اما تقدیر به گونه ای رقم خورد که من با کس دیگری ازدواج کردم ولی این ازدواج پایدار نبود و من بعد از طلاق دوباره سراغ رشید رفتم و به عقد موقت او در آمدم اما خانواده رشید مرا نمی پذیرفتند تا این که رشید هم برای حفظ آبروی خانواده اش تن به ازدواج با تو داد ...

خیلی کم حرف و سر به زیر بود همه اطرافیانم این موضوع را ناشی از نجابت و خجالتی بودن نامردم می دانستند در حالی که من دختری پر شور و نشاط بودم و دوست داشتم لحظات هیجان انگیزی را کنار او تجربه کنم.

نامزدی سرد با وجود این در دوران نامزدی رابطه گرم و صمیمی با یکدیگر نداشتیم به طوری که رشید حتی تمایلی به حضور در جمع خانوادگی یا حتی مراسم فامیلی نداشت.

خانواده ام که این رفتارها را می دیدند مردان را می دادند که با آغاز زندگی مشترک همه چیز تغییر می کند و خجالت رشید نیز فرو می ریزد. خلاصه زندگی مشترک ما در حالی آغاز شد که پدرم برای شکوه مراسم ازدواج سنگ تمام گذاشت. با وجود این هیچ تغییری در رفتار و گفتار همسرم ایجاد نشد. او همچنان از من گریزان بود و به روابط عاطفی و احساسی من به سردی پاسخ می داد. گاهی با اضطراب و نگرانی خانه را ترک می کرد و گاهی نیز با حالتی پریشان به خانه می آمد و در واقع زندگی را با گوشه گیری می گذراند.

تا این که باردار شدم اما رشید اصلا خوشحال نشد. به همین دلیل من هم دچار تالمات روحی

خوشحال می شدم وقتی او درباره یک عروس خوب لب به سخن می گشود لبخند آرامی بر لبانم می نشست و در دل آرزوی کردم بارشید ازدواج کنم. اما نمی دانستم که تقدیر چنین رقم خورده است.

خلاصه روزی هنگام یک غروب زیبا مادر رشید استکان خالی چای را درون سینی گذاشت و به آرامی در گوش مادرم مطلبی را بازگوش کرد که کل لبخند روی چهره مادرم شکفته شد.

همان شب زیاد بود که مادرم مرا به آغوش کشید و ماجرای خواستگاری مادر رشید را بیان کرد از خوشحالی و شرم و حیا سرخ و سفید می شدم که داخل اتاقم رفتم.

انگار روی زمین بند نبودم اما اضطراب و استرس عجیبی نیز داشتم و مانند همه دختران دم بخت آینده زندگی مشترکم را به تصویر می کشیدم چرا که رشید پسری مودب و دوست داشتنی بود.

خلاصه بدون هیچ صحبت و شرطی و تنها با گفت و گوی بزرگ ترها مراسم خواستگاری و عقدکنان برگزار شد.

من که از این ازدواج بسیار رضایت داشتم همه عشق و احساسم را تانراش می کردم اما رشید

گروه حوادث - دیگر کشتی زندگی من به گل نشسته است و امیدوی به حرکت دوباره آن روی امواج متلاطم دریاندارم. احساس می کنم که به آخر خط رسیدم چرا که خانواده همسر مرا تباه کردند تا آبروی خانوادگی خودشان را حفظ کنند.

زن ۲۵ ساله در حالی اشکریزان این جملات را مقابل مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آیکوه مشهد بیان می کرد که غرور و آینده اش لگدمال شده است.

این زن جوان در میان حق حق گریه و در تشریح سرگذشت خود گفت: «رشید» تنها پسر سر به زیر محله بود که در همسایگی ما زندگی می کرد او آن قدر نجیب و باوقار در کوچه و محله رفت و آمد می کرد که هر دختری عاشقش می شد. مادر او نیز وقتی کنار مادرم می نشست و به درد دل می پرداخت مدام از اخلاق و رفتار «رشید» وقتی چشمش به من می افتاد از درس و دانشگاه پسرش سخن می گفت و در نهایت موضوع را به تحصیلات من و داشتن یک عروس خوب تعریف و تمجید می کرد.

وقتی چشمش به من می افتاد از درس و دانشگاه پسرش سخن می گفت و در نهایت موضوع را به تحصیلات من و داشتن یک عروس خوب تعریف و تمجید می کرد.

آن روزها من آخرین ترم مقطع کاردانی را می گذراندم و از شنیدن حرف های مادر رشید

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

جرثقیل

جرثقیل ۲۵ تنی آماده همکاری
 با کلیه پروژه های کیش ۰۹۳۴۷۶۹۸۰۰۲
 ۰۹۱۲۷۶۹۸۰۰۲ اسماعیلی

سرم پاشی

شرکت کیمیا سم کیش
 مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان
 شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳

نرم افزار حسابداری

نمایندگی نرم افزار حسابداری هلو
 فروش / خدمات / آموزش
 بهکیش غرفه ۶۷
 ۰۹۳۴۷۶۸۲۸۰۷ تسکینی

صنایع چوب

صنایع چوب حلاج کیش
 کلیه سفارشات
 MDF، چوبی
 دکوراسیون غرفه و منزل
 تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

حمل و جابجایی کالا

با ۶ چرخ در سطح جزیره
 ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
 ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

مبل شویی

مبل شویی سیار
 شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش
 با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت
 در اسرع وقت
 ۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳
 ۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش

ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترمو وود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸

استخدام

از خبرنگار - عکاس (ترجیحا با سابقه) جهت کار در یک نشریه دعوت به همکاری می شود. ارسال رزومه و هماهنگی: ۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۲۶۹۹۹
 www.kohanchoob.ir

مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان

شرکت کیمیا سم کیش

۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳